

عدالت‌خواهی از منظر دو حزب دموکرات و اعتدالیون (بررسی مرام‌نامه‌های دو حزب)

دکتر مسعود غفاری* علی محمدزاده**

چکیده

طلب مساوات و برابری به عنوان ارزش‌هایی عدالت‌خواهانه از نخستین مطالبات انقلاب مشروطیت ایران بود که نظر به مبانی فکری و موقعیت اجتماعی معتقدان آن، در قالب رویکردهایی متفاوت قابل شناسایی است. این مقاله بر آن است تا به تحلیل و تبیین زمینه‌های فکری و اجتماعی عدالت‌خواهی در دو حزب دموکرات و اعتدالیون در سالهای آغازین مشروطیت بپردازد و دو رویکرد متفاوت به عدالت‌خواهی را در مرام‌نامه‌های دو حزب شناسایی کرده، چرایی تفاوت این رویکردها را نیز جستجو کند. همچنین این فرضیه را که: درک متفاوت برخی مؤلفه‌های عدالت‌خواهی سبب شده است که حزب دموکرات خواستار تغییرات بنیادین در ساختارهای اصلی جامعه شود و از دیگر سو حزب اعتدالیون بر اصلاح و تعدیل آن ساختارها بسنده کنند؛ به آزمون گذارد.

واژه‌های کلیدی

زمینه‌های فکری و اجتماعی، حزب دموکرات، حزب اعتدالیون، عدالت‌خواهی

* استادیار دانشگاه تربیت مدرس Ghaffari@modares.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس a.mohamadzadeh@modares.ac.ir

مقدمه

مفهوم عدالت از منظر فکری و عملی، تاریخ دیرینه‌ای دارد. این مفهوم در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، سیاسی و حقوقی نزد اندیشمندان فلسفه سیاسی و کارگزاران عرصه تصمیم‌گیری، بعنوان معیار یک جامعه مطلوب و متعادل بکار گرفته شده است. مراد از بررسی عدالت‌خواهی در این مقاله تحلیل مبانی نظری و چستی این مفهوم نیست مرام‌نامه‌های دو حزب دموکرات و اعتدالیون نیز وارد این فضای فکری نشده اند بلکه تلاش‌ها و اقداماتی را شامل می‌شود که به منظور تحقق جامعه‌ای متوازن و سامان‌مند متناسب با آرمان‌های احزاب مذکور در مرام‌نامه‌های آنها بیان شده است. تاریخ کهن ایران جنبش‌ها و تلاش‌های عدالت‌خواهانه متعددی را سراغ دارد که حرکت تاریخی عدالت‌خواهی در انقلاب مشروطیت از برجسته‌ترین آنهاست. تا آنجا که به دو حزب دموکرات و اعتدالیون مربوط می‌شود، بحث عدالت‌خواهی به لحاظ نظری به عنوان بخشی از معرفت‌عینیت یافته در مرام‌نامه‌های این احزاب به باور این نوشته دارای ارتباطی ناگشتنی و معنی‌دار با بنیادهای فکری اجتماعی رهبران و تأثیرگذاران دو حزب مذکور است. بر این اساس زمینه‌های فکری و اجتماعی رهبران اصلی دو حزب بررسی شده، سپس ارتباط این زمینه‌های فکری و اجتماعی با اصول عدالت‌خواهی در چهار حوزه عدالت سیاسی مدنی، قضایی، اجتماعی و اقتصادی با بهره‌گیری از متن مرام‌نامه‌های دو حزب تبیین گردیده داده شده است. پاسخ به چرایی پدید آمدن دو رویکرد متفاوت در برخی از این حوزه‌ها نیز از نظر دور نمانده است. کتاب اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار و کتاب مرام‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی در مجلس دوم، به کوشش

خانم اتحادیه، به عنوان منابع اصلی دسترسی به متون مرام‌نامه‌های دو حزب مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در حوزه کتب و آثار انتشار یافته در باب احزاب سیاسی، بدون شک قدیمی‌ترین اثر کتاب دو جلدی، محمد تقی بهار، با عنوان «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، انقراض قاجاریه» است که به اختصار احزاب دموکرات و اعتدالیون را معرفی کرده است. تکیه نویسنده بر شرح وقایع و حوادث تاریخی بویژه مجالس سوم و چهارم مشروطیت است. مطالعه و تحقیق در مورد احزاب سیاسی در سالیان اخیر قابل توجه بوده لیکن غالب این تحقیقات به چرایی بررسی علت نهادینه نشدن احزاب در ایران با نگاهی ساختاری پرداخته‌اند (مثلاً: سهم فرهنگ در ناپایداری احزاب سیاسی، اثر محمدرضا علم). برخی به پیدایش و تحول احزاب پرداخته‌اند که اثر سترگ خانم اتحادیه پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت در این زمینه بی‌همتا است. و برخی نیز صرفاً به معرفی احزاب اقدامات آنها در بستر وقایع تاریخی به صورت توصیفی (حزب دموکرات ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی، اثر علی غروی نوری) و تا حدی انتقادی (حزب دموکرات ایران، نوشته صفر زمانی) پرداخته‌اند.

تحقیقات دانشگاهی نیز با تحلیل ساختاری کارکردی به موضوعاتی چون، علل ناکارآمدی احزاب، رابطه احزاب و دولت و سایر ساخت‌ها و نهادها معطوف بوده است (تأثیر ساختار سیاسی بر رشد احزاب در ایران، نگارش نرگس خاتون رستمی، دانشگاه شهید بهشتی. نمونه دیگر: علل ناپایداری احزاب در ایران، نوشته غلامرضا ضابط پور، دانشگاه باقرالعلوم و جز آن). برشماری تک تک کتاب‌ها، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات و سایر آثار

روحانیون و بست نشینان حضرت عبدالعظیم در سال ۱۳۲۳ق / ۱۲۸۴ش، ایجاد «عدالتخانه» بود که در نتیجه پافشاری آنان مظفرالدین شاه در ذیقعد ۱۳۲۳ش / ۱۲۸۴ تأسیس عدالتخانه دولتی برای اجرای احکام شرع مطاع و آسایش رعیت... را فرمان داد (کسروی، ۱۳۸۴: ۱۳۴ و ۱۴۳). در مراحل بعدی با مطرح شدن مطالبات مردمی در بستر مشروطه‌خواهی، زوایای عدالتخواهی در گستره وسیعتری دنبال گردید و آن ایجاد مجلس و نهادهای نوین سیاسی بود اما به رغم وجود مجلس شورای ملی این نخست وزیران و وزیران کابینه بودند که به عنوان نخبگان سیاسی رسمی پس از پادشاه بر تصمیم‌گیری امور داخلی و خارجی اثر می‌گذاشتند (ازغندی، ۱۳۷۹: ۹۱). محمد علی شاه از امضای نظامنامه اساسی (قانون اساسی) اکراه داشت و هیچ مایل نبود تمام استقلال و استبداد خود را به امضای این نظام نامه تسلیم و تحویل ملت نماید (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۱۸۰). برکناری بسیاری از شاهزادگان و ملاکین مقتدر از حاکمیت ایالات، آزادی قلم و افزایش روزنامه‌ها و نشریات و ایجاد انجمن‌های متعدد، اختلافات محمد علی شاه و مشروطه خواهان را عمیق تر کرد که در نهایت به برچیده شدن مجلس انجامید. پس از تخریب مجلس توسط محمد علی شاه دوباره ولایات ایران به شاهزادگان واگذار شد (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۷-۲۱۳۶). با این وجود چیرگی محمد علی شاه دیری نپایید. مقاومت تبریز و پیوند مشروطه خواهان با سران ایل بختیاری و مجاهدین گیلانی که دارای توان نظامی به منظور مقابله با نیروهای دولتی بودند به منصف ظهور رسید و محمد علی شاه را به ورطه سقوط کشانید.

مالکین و زمین داران بزرگ، اعیان و برخی متنفذان سنتی با آنکه نقش بارزی در انقلاب مشروطیت

مربوط به احزاب سیاسی نه مقدر و نه لزوماً ضرورت دارد، زیرا عمدتاً به همین موضوعات مورد اشاره توجه نموده‌اند تا آنجا که نگارنده در متون مرتبط با احزاب سیاسی تفحص نموده است، حداقل به موردی که مواضع احزاب را با رجوع به اساسنامه و مرام نامه آنها نسبت به مفهومی تاریخی سیاسی (عدالتخواهی) به شیوه تطبیقی مورد سنجش قرار دهد بر نخورده است بدین سبب این مقاله در این راستا گام برداشته است.

وضعیت تاریخی و اجتماعی ایران در سالهای

آغازین مشروطیت

ساختار جامعه ایران در صدر مشروطیت بیانگر یک جامعه سنتی و توسعه نیافته است. مثلاً از جمعیت حدود ۸ تا ۱۰ میلیون نفری ایران، ۷۰ تا ۸۰ درصد روستائین و ایلیاتی بودند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۷۴). میزان باسواد ۵ درصد در اوایل قرن بیستم بود (هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۲). از نظر اقتصادی، تسلط اقتصاد معیشتی در روستاها و تمایز غیر محسوس صنعت از کشاورزی و ضعف قالب‌های تولید سرمایه‌داری از ویژگیهای اقتصادی ایران صدر مشروطه بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۵). از نظر بروکراسی معدود وزارت خانه‌ها و دربار، حکام ولایات، رؤسای دفاتر و... ساختار نظام اداری ایران را تشکیل می‌داد (مستوفی، ۱۳۷۱: ۳۸-۴۲). استخوان بندی دیوانسالاری ایران صدر مشروطیت سنتی و غیر مدرن بود و امور مربوط به آنها بیشتر توسط متنفذین محلی رتق و فتق می‌شد.

عدالت‌خواهی از اولین مطالبات مردم و رهبران انقلاب مشروطیت بود که در اوایل مبارزات مردم مطرح شد. ظلم دولتیان، شاهزادگان و خوانین حاکم بر مناطق مختلف ایران، مردم را به تظلم خواهی و عدالت‌خواهی به سوی علما رهنمون ساخته بود. خواسته‌های اصلی

دوم، ۱۳۲۹ق: ۹۴۸). مواردی چون، رقابت در انتخاب نایب السلطنه، ماجرای خلع سلاح مجاهدین، قتل آیت الله بهبهانی و مجادله بر سر ترکیب کابینه‌ها اختلافات دو حزب را شدت بخشید و شکل‌گیری حاکمیتی قانونی و کارآمد را مختل نمود. موقعیت ممتاز ایران در همسایگی دو قدرت مهم روس و انگلیس، فقدان نیروی نظامی مقتدر و گسینختگی و بی‌ثباتی سیاسی پس از انقلاب زمینه را برای اتخاذ سیاست‌های مداخله جویانه روس و انگلیس در امور ایران فراهم می‌ساخت که این امر نیز بر آشفتگی اوضاع داخلی ایران می‌افزود.

دموکرات‌ها

پیشینه فکری

بطور کلی زمینه فکری دموکرات‌ها متأثر از تحولات فکری و اجتماعی جوامع اروپایی بود که از طریق مشاهده مستقیم دستاوردهای اجتماعی صنعتی غرب، آشنایی با علوم جدید، مطالعه آثار روشنفکران ایرانی و نشریات خارج از کشور و بالاخره جریان فکری سوسیال دموکراسی، برخی فعالین فکری و سیاسی مشروطه خواه را پس از انقلاب مشروطیت به منظور تحکیم و تثبیت یک نظام سیاسی قانون مدار و دموکراتیک به تکاپو وا داشت. اروپای قرن نوزدهم به اوج کارآمدی دست یافته بود و مجموعه معینی از طرز تلقی‌ها نسبت به جهان، نهادهای پیچیده بویژه تولید صنعتی و اقتصاد مبتنی بر بازار، نهادهای سیاسی در قالب واحد کشور- ملت و دموکراسی را نمایندگی می‌کرد. رهبران موثر حزب دموکرات نظیر: حسینقلی خان نواب، وحید الملک، حکیم الملک (پزشک دربار مظفردالدین شاه) و محمود محمود در سال‌های آغازین فعالیت حزب دموکراتیک کشورهای اروپایی بویژه فرانسه و انگلستان را بواسطه تحصیل و یا مأموریت‌های

نداشتند، پس از مشروطیت بر استحکام قدرت آنان افزوده شد به طوری که در دوره مجلس دوم ۳۰ درصد و در مجلس پنجم ۴۹ درصد از کرسی‌ها را در اختیار داشتند (شجیعی، ۱۳۴۴: ۱۸۰). شکست محمدعلی شاه از مشروطه خواهان موجب دسترسی بیشتر عشایر که یک چهارم جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند به حاکمیت سیاسی گردید. برخورداری آنان از نیروی شبه نظامی، سرپیچی از فرمان حکومت و ایجاد هرج و مرج در ایلات و ولایات و راهزنی در راهها، ناامنی‌ها را تسهیل می‌کرد. قدرت ایلی با حاکمیت دوباره مشروطه خواهان گسترش یافت و حاکمیت سیاسی را تحت تاثیر قرار داد. اما تعارض بین مشروطه خواهان که در مجلس اول در مذاکرات مربوط به قانون اساسی آشکار شده بود، با پدید آمدن احزاب در مجلس دوم مشروطیت عمق و وسعت بیشتری یافت. ملکزاده می‌نویسد: پس از فتح تهران و تشکیل حکومت جدید دیری نگذشت که گیاه زهرآلود اختلاف و نفاق از خاک سر برآورد و کشمکش علنی و آفتابی شد و روز به روز شدت کرد تا به ترور و خونریزی سران احرار و جنگ پارک (پارک اتابک) منتهی شد و در همان ایام حزبی به نام انقلابی و حزب دیگر به نام اعتدالی که از اختلاف میان مشروطه خواهان سر چشمه می‌گرفت به وجود آمد (ملکزاده، ۱۳۳۲، جلد ۱: ۲۰۰).

مورخان و فعالان سیاسی دوره مشروطیت اکثراً عنوان «انقلابی» را برای اشاره به حزب دموکرات آورده اند (نک به علی اصغر شمیم، ۱۳۴۲: ۴۴۰ و بهار، جلد ۱۳۲۳، ۸: ۱). اما تقی زاده معتقد بود که این اسم بواسطه تکرار و تبلیغات در افواه ماند (تقی زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت، ۱۳۷۹: ۱۳۰). در مجلس دوم در جلسه ۲۳ صفر ۱۳۲۹ قمری که نایب السلطنه در خواست روشن شدن عقیده و مرام احزاب اکثریت و اقلیت را کرده بود نام «دموکرات» علنی تر شد (مذاکرات مجلس، دوره

ارمنی در تشویق تقی زاده به تشکیل حزب و کمک به تدوین مرام نامه حزب دموکرات فراتر از سایر عوامل است. پیلوسیان (Pylusian) یکی از سوسیال دموکرات‌های ارمنی تبریز بود که از طریق نامه‌هایی به تقی‌زاده ایده تشکیل حزب توسط وی و لزوم تشکیل یک حزب فراگیر در آن موقعیت تاریخی که از نظر وی عصر تشکیل احزاب سیاسی ایران بود را مورد تشویق قرار داد (افشار، ۱۳۵۹: ۲۳۸-۲۴۱).

ایرج افشار که مرام‌نامه حزب دموکرات را از میان اوراق و اسناد نزد تقی زاده، انتشار داده است، این مرام نامه را به تیگران (Tigran) از دیگر سوسیال دموکرات‌های ارمنی نسبت می‌دهد که برای تقی زاده ارسال کرده است اما خسرو شاکری نشان می‌دهد مرام نامه مذکور را پیلوسیان به زبان فرانسه نوشته که قرار بوده است محمدعلی اکبرخان آن را به فارسی ترجمه کند (شاکری، ۱۳۸۴: ۴۲۲). احمد استوار از اعضای حزب در نامه‌ای به تقی زاده، شکایت تیگران از سستی و کم کاری مسئولان حزب را گوشزد کرده است (افشار، ۱۳۸۵: ۲۰۹). فعالینی از سازمان همت قفقاز و فرقه اجتماعيون عاميون مجاهد با گرایش‌ها سوسیال دموکراسی که تفکر سیاسی آنان ریشه در وضعیت اجتماعی نابسامان کارگران مهاجر ایرانی منطقه قفقاز داشت به حزب دموکرات پیوستند و جزء نامدارترین اعضای حزب شدند. محمدامین رسول زاده (متولد آذربایجان شوروی) و حیدرخان عموغلی که اولی روزنامه نگار و سردبیر روزنامه ایران نو مهمترین ارگان حزب دموکراتیک و دومی فعال ایرانی عضو اجتماعيون عاميون از آن جمله بودند. خسرو شاکری به نقل از مورخ قفقازی «اصلائی» از تحویل دو پیش نویس برنامه اجتماعيون عاميون به نمایندگان آذربایجان (در مجلس) که با فعالان فرقه در تفلیس و باکو در دی‌ماه ۱۲۸۵ ش ملاقات کردند، خبر می‌دهد که مفاد آن،

سیاسی دیده بودند و از نزدیک در جریان تحولات علمی-صنعتی و نظام‌های قانون مدار سیاسی آن ممالک قرار گرفته بودند (غروی نوری، ۱۳۵۲: ۱۰۷-۱۱۵ باتلخیص). تقی زاده نیز بعنوان متنفذترین عضو حزب، اگرچه تا اواسط ۱۲۸۹ ش / ۱۳۲۸ ق به اروپای غربی قدم نگذاشته بود، اما با مطالعه کتب و نشریات غربی و سفر به استامبول و مصر و مطالعه آثار روشنفکران ایران و متجددین ترک و قفقاز، این گونه به دنبال اخذ تمدن جدید غربی بود: ملت مظلوم ایران... به سبب مرادواتی که با ممالک متمدنه پیدا شده بود به فواید تمدن و آزادی پی برده و به موجب یک اعتقاد قدیم متوارث که از چند سال به این طرف در میان ایرانی‌ها نسبت به تمدن و حریت و اخلاق و معارف انگلیسی‌ها و فرانسه‌ها منتشر بود آن ممالک را در اولین وهله سرمشق سیر جاده ترقی خود کرده و برای آنکه ممالک خود را در آبادی و علم و معرفت به آن ممالک شبیه کنند اصول اداره آنها را تقلید نموده مطالبه آزادی و کنسی‌تی توسیون» (مشروطیت) و پارلمان کردند (افشار، ۱۳۵۹: ۱۰۲).

روشنفکران ایرانی قبل مشروطه و نشریات فارسی خارج از کشور که مروج تمدن جدید غرب و ستایشگر آن بودند نیز در شکل‌گیری اندیشه آزادی خواهی برخی اعضای مهم حزب دموکرات نقش داشتند. چنان که تقی زاده از تأثیر عظیم ملکم خان و طالبوف و روزنامه‌های ثریا، پرورش حکمت و حبل‌المتین در نضج افکار خویش نام برده است (تقی زاده، زندگی طوفانی، ۱۳۷۹: ۳۷-۳۸). شیخ ابراهیم زنجانی از دیگر شخصیت‌های برجسته حزب، تأثیر روزنامه‌های مذکور و اندیشه‌های طالبوف را بر شکل‌گیری اندیشه ترقی خواهی خویش انکار نمی‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۴ و ۱۹۵). با وجود این نقش سوسیال دموکرات‌ها و بویژه سوسیال دموکرات‌های

مطبوعات دموکرات‌ها اثرپذیری و قرابت فکری آنان با سوسیال دموکرات‌ها را عیان می‌سازد که در ادامه اشاره خواهد شد.

موقعیت اجتماعی

با عنایت به وضعیت اجتماعی ایران که مختصراً در صفحات ابتدایی مقاله اشاره شد، جامعه سنتی با اقتصاد معیشتی و متکی به کشاورزی غیر تجاری ایران در دوره مشروطیت توان زایش طبقاتی گسترده و مقتدر و مستقل از - دولت نظیر آنچه که در اروپا حادث شده بود- را نداشت. طبقه در پیوند با جامعه ایران یعنی افرادی با درآمدی نسبتاً مشابه و شیوه‌های زندگی همگون و برخوردار از منزلت و مرتبه اجتماعی و فاقد ایدئولوژی و روابط منسجم ارگانیک و متقابل از نظر موقعیت اجتماعی پایگاه طبقاتی اعضای مهم حزب دموکرات را آبراهامیان اینگونه دسته‌بندی نموده است: هشت نفر کارمند دولت، پنج روزنامه‌نگار، پنج رهبر دینی، یک زمیندار و یک پزشک. از نظر جغرافیایی همه از نواحی شمالی ایران بودند؛ سیزده نفر از آذربایجان، دو نفر از شمال خراسان و هفت تن از تهران (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۳۰). بر این اساس اکثریت اعضای حزب وابسته به طبقات جدید بودند. روحانیون عضو حزب قدرت نفوذ چندانی نداشتند، روحانیونی چون دهخوارقانی، خیابانی و صدرالعلما بواسطه اصرار حزب بر عدم به رسمیت شناختن امتیازها و اضمحلال ملوک الطوائفی و تأکید بر آزادی خواهی و قانون‌گرایی در موضع‌گیری‌ها و مجادلات سیاسی پشتیبان حزب دموکرات بودند. اما رضایتی از مرام نامه حزب نداشتند. مخالفت آنان با مرام‌نامه حزب از سوی شیخ محمد خیابانی و صدرالعلما در جلسه ۲۳ صفر ۱۳۲۹ / ۱۲۹۰ مجلس دوم به صراحت بیان گردید و بر الهی بودن

مواردی چون، محدود شدن اختیارات پادشاه، واگذاری حق رای به کارگران، انتخابات مجلس براساس حق رأی همگانی، تقسیم املاک بزرگ کشاورزی در میان دهقانان، واگذاری حقوق دموکراتیک به کارگران نظیر آزادی تشکل، بیان، تجمع و حق اعتصاب را شامل می‌شد (شاکری، ۱۳۸۴: ۵-۱۸۴). بنابراین حضور رسول زاده همتی بعنوان مغز متفکر حزب و حیدرخان عموغلی بعنوان بازوی اجرایی برخی فعالیت‌های تروریستی منتسب به حزب و پیلوسیان بعنوان نویسنده مرام‌نامه حزب دموکرات و بسیاری از اصول و مفاد مرام‌نامه که تناسب آنها با اصول سوسیال دموکراسی (و نه مارکسیسم روسی) آشکار و مبرهن است، نقش تأثیرگذار و غیر قابل انکار سوسیال دموکرات‌های صدر مشروطه را در شکل‌گیری و تدوین مرام‌نامه حزب دموکرات را اثبات می‌نماید. سوسیال دموکرات‌ها برای پیش برد مقاصد سیاسی خود در ایران دو راهکار متفاوت داشتند، برخی بستر مشروطه خواهی را زمینه‌ای مناسب برای تبلیغ و سازماندهی توده‌های کارگری، کارگران و روشنفکران فعال و آگاه ایران به منظور شکل‌گیری یک گروه سوسیال دموکرات ارزیابی می‌کردند. راهکار دوم که پیلوسیان حامی آن بود، نگاه واقع‌بینانه‌تری داشت. طبق این دیدگاه ایران هنوز در مرحله صنعتی قرار نداشت، پرولتاریای مدرن در آن شکل نگرفته بود، بنابراین زمینه برای سوسیال دموکراسی موجود نبود، بنابراین سوسیال دموکراسی از طریق مطالبات دموکراتیک می‌تواند تحقق رسالت تاریخی خود را تضمین کند... در حال حاضر مناسب‌تر و عقلانی‌تر است که فعالیت صرفاً سوسیال دموکراتیک را کنار گذاشته و به صفوف دموکرات‌ها بپیوندیم (شاکری و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۱۰۰) انعکاس مخالفت با اشراف و اعیان متنفذ و حمایت از طبقات محروم و ضعیفی چون دهقانان و کارگران در سخنان و

بنابراین تقریباً اکثریت رهبران و نمایندگان برجسته حزب دموکرات مقام اجتماعی و منزلت سیاسی خویش را مدیون، نهادهای سنتی چون خانواده، طایفه، وابستگی و مراوده با دربار و خاندان شاه و زمین داری و الزامات اعیانیت نبودند. بلکه آشنایی و برخورداری از تحصیلات علوم جدید، اشتغال به مشاغل چون روزنامه نگاری و کار در ادارات جدید دولتی بویژه وزارت خارجه و سفارت خانه‌ها، تعامل علمی و سیاسی با شخصیت‌ها و روشنفکران برجسته در کشورهای اروپایی و عثمانی، تسلط به زبانهای اروپایی و مطالعه و ترجمه کتب و تولیدات فرهنگی جدید تمدن غرب همراه با توانمندی‌های فردی و شخصیتی آنان را از طبقات سنتی و موروثی قدیم متمایز جلوه داد. به طور کلی ماهیت و جایگاه اجتماعی اکثریت آنان غیر انتسابی و در فرآیند تحولات سیاسی تاریخی مشروطه به ظهور رسیده بود.

دیگر آن که ساختار عقب مانده جامعه ایران عزم آنان را برای تأسیس حکومتی قانونی و مبتنی بر آزادی و برابری را دو چندان ساخت. در مرامنامه حزب دموکرات آمده است: ایران در هیچ تاریخی به حال اضطراب و بحران امروزه‌اش نیفتاده. این مملکت نظیر زوال و اضمحلالی را که در حال کنونی مبتلاست در تاریخ خود ندیده... حزب راه چاره را ناگزیر از تجدید و طی نمودن درجاتی که تمام عائله بشریت از آن گذشته‌اند... و تشکیل یک حکومت قانونی قوی، دانسته و به منظور از قوه به فعل در آوردن این مقاصد عالیه، ارباب معارف و اشخاص با ناموس و وطن پرست را ... در دایره یک فرقه سیاسی اتحاد مسلک و توحید حرکت نموده برای حفظ آزادی و استقلال مملکت و ابقای مشروطیت اصول اداره آن را چنان بنای متین گذاشت که در راه ترقی و تکامل بقدر امکان از

بنای قوانین موضوعه تأکید کردند (مذاکرات مجلس دوم، ۱۳۲۵: ۹۵۱).

تقی زاده که در دوران مجلس اول و دوم و قبل از تبعید به اروپا در کسوت روحانیت بود، مخالفت خود را با اشراف و اعیان و مالکان بزرگ به صراحت اعلام نمود وی اگرچه جزء روحانیون والامرتبه بحساب نمی‌آمد، اما مقام اجتماعی خویش را از روحانیون و سایر متنفذان سنتی جدا کرد. او در اولین نطق خویش در مجلس اول خطاب به نمایندگان اصناف و طبقات محروم که در مجلس دارای ۳۲ کرسی بودند خود را در کنار طبقات پایین قرار داد خطاب به نمایندگان اصناف گفت: شما صدا به صدای من بدهید و متفق شده مطالبه کنید شما که اساس مملکت و صاحب حقیقی این خاک هستید، شما که جمیع متنفذین و متشخصین ریزه‌خوار محصول دست شما هستند، شما که اینها خون شما را خورده بالادست شما می‌نشینند و به چشم حقارت به شما می‌نگرند و از صرف مال شما تحصیل علم کرده افاده علمی و حقوقدانی به شما می‌فروشدند (تقی زاده، ۱۳۷۹، تاریخ مجلس: ۱۹۲).

سلیمان میرزا اسکندری که پس از خروج تقی زاده از مجلس دوم رهبری حزب دموکرات را در مجلس بر عهده داشت در نامه‌ای به تقی زاده، و در مخالفت با متنفذین می‌نویسد: ابدأ دموکرات‌ها نخواهند گذارد یک نفر با نفوذ در ایران باقی بماند (افشار، ۱۳۸۵: ۳۱۵).

روزنامه ایران نو ارگان حزب دموکرات در سرمقاله شماره ۳۱ خود با عنوان «معنای لغت دموکرات» نوشت: دموکرات متضاد کلمه آریستوکرات (حکومت اشراف) است... کلمه دموکرات اسم کسی است که برای سلامت و آسایش و راحتی فقیر، رنجبر، زارع، بدبخت که بطور جمع عامه و جماعت گفته می‌شود حاضر است همه قسم فداکاری باشد (ایران نو، ۱۳۲۹ق: شماره ۳۱).

مشکلات عدیده آزاد بوده و به شاهراه قافله بشریت افتاده، بلا مانع برود (افشار، ۱۳۵۹: ۳ - ۳۶۲ با تلخیص).

اعتدالیون

زمینه‌های فکری

اساس فکری و نظری حزب اعتدالیون عموماً ریشه در اسلام داشت. آنان مبنای اسلام را بر پایه رفیع نشر و اشاعه حقایق عالیه آزادی و برادری و تساوی و تعاون بین افراد انسانی دانسته و فکر و عقیده و اصول مسلک اجتماعی خود را روحاً با حقیقت مقدسه اسلامیت متوافق اعلام نمودند. اسلام از نظر اعتدالیون زمینه و اساس عالی است که بهترین نقشه و کامل‌ترین طرز برای جلب سعادت عالم اجتماع بشری و ترقی اوضاع معیشت حوزه انسانی، شناخته می‌شد. از نظر اعتدالیون، علایق باطنی و تأثرات درونی موجب تزکیه نفس و تصفیه اخلاق و تکمیل اساس تربیت و تمدن حقیقی بوده، برای رسیدن به این منظور اهمیت و وجوب معتقدات مذهبی و تعلقات دینی را ثابت و لزوم حفظ اصول جامعه و حقایق عالیه دینی را بر عهد هیأت اجتماعی الزام می‌نماید (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۹۶ و ۱۱۵). در شرح مرام نامه اعتدالیون بدون اینکه به مفهوم سوسیالیسم اشاره شود، از برخی رهبران آن نام برده شده است: این جمعیت بنا بر توجه و انعطاف فوق العاده که نسبت به افکار عمومی و رعایت مقتضیات اخلاق و عادات عامه داشته... همیشه نظریات عمومی را تعقیب می‌نمایند و تناسب موقع و مقتضی را اولین شرط ترویج و پیشرفت مقاصد مقدسه خود قرار می‌دهند. لذا طرز مترقیانه‌ای را که مارکس، انژل (انگلس) و امثال آنها از پیشروان معروف این طریقه تعقیب نموده‌اند طرد و ترک نموده و سبک معتدلانه‌ای که معلمین بزرگ این مسلک مانند برنستن ... و امثال

آنها اتخاذ کرده‌اند پیروی می‌نمایند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۹۶). مارکس در این بیان پیشرو این طریقه معرفی می‌شود. منظور از «این طریقه» یعنی سوسیالیسم، همان طریقه‌ای که به افکار عمومی و عادات عامه و... وفادار است. اعتدالیون روش معتدلانه این طریقه را که سوسیالیست‌های میانه رو و تجدید نظر طلبی چون برنستن (برنشتین) نمایند آن هستند پیروی می‌کند. بنابراین یک نوع رویکرد مثبت به سوسیالیسم معتدل (تجدید نظر طلب) حداقل در مرام نامه آنها مشهود است. اما از منظر ایدئولوژی و عمل دموکرات‌ها به سوسیالیسم نزدیک تر بودند.

موقعیت و جایگاه اجتماعی

از نظر موقعیت و جایگاه اجتماعی اعضای برجسته اعتدالیون عموماً از روحانیون بلند مرتبه، دولتمردان با سابقه و ثروتمندان و ملاکین عمدۀ بودند. آبراهامیان رهبران اعتدالیون را سپهدار، فرمانفرما، بهبهانی و طباطبایی با حدود ۴۳ نماینده می‌داند که ترکیب یافته بود از، سیزده روحانی، ده زمین دار، ده کارمند دولت، نه تاجر و سه رئیس قبیله. ترکیب اجتماعی مجلس دوم را شامل ۲۷ درصد زمین دار، ۱۹ درصد روحانی، ۲۴ درصد کارمند دولت و ۹ درصد تاجر اعلام کرده است و به این نتیجه رسیده است که اعطای حق رأی همگانی (که در انتخابات مجلس دوم تسهیل گردید) تقویت رؤسای ایلات و زمین داران را همراه داشت. در مجلس سوم شمار نمایندگان زمیندار (به) ۴۸ درصد افزایش یافت (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۱۳). روحانیون والامقامی چون بهبهانی و طباطبایی عضو حزب اعتدالیون نبودند، اما فعالیت آنان بویژه بهبهانی را در جایگاه رهبری معنوی حزب اعتدالیون قرار داده بود. سپهدار (ولی محمد تنکابنی) عضویت خود در حزب

عدالت) به علاوه مفهوم عدالت در معنای گسترده‌تر مؤلفه‌های دیگری چون مساوات (برابری) و انصاف (تقسیم بطور مساوی) را در بر می‌گیرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۳۸: ۱۱۱-۱۱۰). عدالت بعنوان غایت اصلی حکومت و گروه‌هایی که بدنبال بکارگیری قدرت در عرصه عمومی هستند، در معنای وسیع متضمن مفاهیم امنیت، آزادی، برابری و رفاه عادلانه است و همین معنای وسیع عدالت مبنای اصلی اطاعت و فرمانبرداری اتباع از قدرت عمومی را تشکیل می‌دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۹). عدالت از دیدگاه حزب دموکرات از نظر ماهیتی و چیستی آن تعریف نشده است، بلکه مفهوم آن از حیث مصداقی و چگونگی برقراری جامعه‌ای با افراد متساوی الحقوق در حوزه سیاسی با تغییرات عمیق در ساختار اجتماعی اقتصادی قابل استنباط است. در مقدمه مرام نامه حزب، سعادت، حریت و مساوات سه آمال عالم تمدن شناخته شده است (افشار، ۱۳۵۹: ۳۶۱). در شرح مرام نامه حزب دموکرات اجرای عدل یکی از دلایل تشکیل دولت و مجلس عنوان شده است. مساوات با عدل مترادف و فرقه دموکرات حامی رنجبران و لیبرال و دموکرات و طالبان مساوات در میان بشر نامیده شده است. نویسنده اسلام را یگانه دینی می‌داند که اساس مساوات در عالم را تأسیس نمود... روح مساوات را زنده کرد... قدرت و اقتدار اسلام را ناشی از تساوی حقوق و مساوات و برابری ارزیابی می‌نماید. در ادامه اعتدالیون، آریستوکرات خوانده شده و در مقابل آنان مساوات خواهان حامی رنجبرانند که دموکراتی باشند همیشه در سعی هستند که رنجبران را حقوق تساوی داده از زیر بار فشار خلاص کنند (اتحادیه: ۳۵-۳۳). بنابراین عدالت نقشی بنیادی در تشکیل حاکمیت سیاسی مطلوب دموکرات‌ها دارد اما مؤلفه‌های مساوات

اعتدالیون را تأیید کرده است (تنکابنی، ۱۳۷۸: ۵۸). وی مهمترین دولت مردی بود که در قامت رئیس الوزرایی از اعتدالیون پشتیبانی می‌کرد و بارها با حمایت اعتدالیون مجلس ریاست وزرا را بدست آورد. وی دشمنی خود با دموکرات‌ها را انکار نمی‌کند و در یادداشت‌هایش به کرات اشاراتی دارد (تنکابنی، ۱۳۷۸: ۵۹-۶۰). سید محمد صادق طباطبایی، علی محمد دولت آبادی، و از روشنفکران دهخدا و مستشارالدوله نیز از اعضای مهم حزب اعتدالیون بودند. اینان اگرچه از نظر موقعیت اجتماعی و اعتقاد به اخذ تمدن جدید و آزادیخواهی به دموکرات‌ها نزدیک بودند، اما از تندروی احتراز می‌کردند.

چنانکه از ترکیب حزب اعتدالیون بر می‌آید اکثریت متفدین صدر مشروطه از دولت مردان ثروتمندی چون ناصرالملک و فرمانفرما تا دولتمرد و زمین دار بزرگ محمد ولی خان تنکابنی که خود به بخشی از املاکش در قزوین و اراک و تهران و شهریار اشاره می‌کند (تنکابنی، ۱۳۷۸: ۱۲۵) و روحانیون صاحب نفوذی چون بهبهانی که علاوه بر مقام ارجمندش در انقلاب مشروطه در زندگی اجتماعی چون شاهان و زندگی می‌کرد (هدایت، ۱۳۷۵: ۱۵۵) و در اوج قدرت نیز چنان اقتداری کسب نمود که به نوشته عین السلطنه به وی لقب، شاه سیاه داده بودند (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۱۹۳۱). همه عضو یا حامی اعتدالیون بودند. این شواهد همه نشان دهنده نمایندگی طبقات مرفه و متفدان سستی و قدرتمند ایران صدر مشروطیت در قامت حزب اعتدالیون بود.

جایگاه عدالت از منظر احزاب دموکرات و اعتدالیون
واژه عدالت، در لغت‌نامه دهخدا معانی متعددی دارد از جمله: داد، قسط، نصفت، امری بین افراط و تفریط، مساوات، داوری به حق و... (دهخدا، ۱۳۴۱: ذیل مدخل

و تساوی نزد دموکرات‌ها نسبت به سایر معانی و اجزای عدالت بیشتر مورد توجه است.

اعتدالیون نیز از عدالت تعریف مشخص نداشته و در ماهیت و مفهوم عدالت بحث نکرده‌اند، عدالت نزد آنان، معطوف به تعدیل حیثیات اجتماعی و رعایت تساوی حقوق افراد است. در شرح مرام نامه اعتدالیون، آنان حزب خویش را مسلکی اجتماعی نامبرده‌اند که از اصول اجتماعی پیروی می‌کند، مبنای اصول اجتماعی، بسط حقایق عدالت و یگانه وسیله نشر عدالت هم رعایت تساوی حقوق و اجرای قانون مساوات است. اصول اجتماعی را شامل افکار و مقاصد و احساسات و تمیناتی می‌دانند که افراد بشر را به سعی و عمل و وصول به کار امیدوار و به رفع و تعدیل احتیاجات معیشت جامعه کامیاب می‌سازد. آنان برای اصول اجتماعی، کارکرد تعدیلی فائلدی که در مناسبات و روابط بشری و برطرف کردن نزاع‌ها و جدال‌های زندگی موثر است. از نظر مرام نامه اعتدالیون برای سعادت حوزه اجتماعی بشری در همه چیز و همه جا باید حقایق عدالت منتشر و تا حدی که ممکن است اصول مساوات و حقوق تساوی جاری و اختلافات فوق العاده حیثیات اجتماعی تنظیم و تعدیل و به وضع معاش تمام افراد و هیأت‌ها (گروهها و طبقات) به نسبت اختلاف مراتب و قوا و مواقع آنها کمک و امداد شود. از نظر اعتدالیون برای انتظام اداره امور، حفظ منافع مختصه به هر یک از هیأت‌های جامعه حصانت حدود مختصه به آنها را الزام می‌کند (اتحادیه، ۱۳۶۱، ۹۸-۹۷). نزد اعتدالیون جایگاه عدالت و عناصر آن مبنای اجرای اصول اجتماعی و ضامن سعادت بشری تلقی شده است. جالب اینجاست که تأکید اعتدالیون بر عدالت‌خواهی و بویژه مفاهیم مساوات و تساوی (البته با برداشتی متفاوت از حزب دموکرات که در ادامه اشاره خواهد شد) حداقل در شرح مرام نامه حزب زیاد

است، اما بنا به اصول فکری مبتنی بر اعتدال و پایگاه و موقعیت اجتماعی اعضای حزب، عدالت‌خواهی آنان بویژه در حوزه های اقتصادی و اجتماعی در زمره تعدیلات مسالمت‌آمیز و ملاحظه‌کارانه است.

مؤلفه‌های مشترک عدالت‌خواهی نزد دو حزب دموکرات و اعتدالیون

با توجه به معنای موسع از عدالت و غایت حکومت و گروه‌های سیاسی برای تضمین عدالت در حوزه‌های معطوف به قدرت، که در سطور قبل اشاره گردید، استنباط اصول عدالت‌خواهی از مرام‌نامه‌های دو حزب دموکرات و اعتدالیون، در چهار حوزه: عدالت سیاسی مدنی، عدالت قضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی قابل شناسایی است. در این قسمت ابتدا به اصول مورد توافق دو حزب اشاره می‌گردد و در بخش بعدی رویکردهای متفاوت در این حوزه‌ها مشخص خواهد شد.

عدالت سیاسی مدنی. منظور ایجاد ساز و کار مناسب جهت اداره شایسته کشور و تضمین حقوق اساسی چون آزادی، امنیت، برابری و... است. مرام‌نامه حزب دموکرات، مقصد فرقه را ایجاد دولت دموکراتی و سپردن زمام حکومت بدست عامه ملت، مبتنی بر انتخابات عمومی دانسته است. در حوزه حقوق مدنی، اعتقاد به آزادی کلام، مطبوعات، اجتماعات، جمعیت‌ها، حریت اقامت و مسافرت، مصونیت شخصی، مسکن از هر نوع تعرض، انتخاب عمومی، مساوی، مخفی و مستقیم آمده است. آزادی تا حدی است که مخل آزادی دیگران نباشد. (افشار، ۱۳۵۹: ۳۶۵-۳۶۴). شرح مرام نامه اعتدالیون نیز به این اصول مهر تأیید می‌زند. حق حکومت یکی از حقوق متعلقه به تمام افراد است. این حق نیز مبتنی بر انتخاب عمومی است، آزادی اجتماعات، مطبوعات، نطق،

خدمت اجباری در مرام نامه حزب دموکرات آورده شده است (افشار، همان: ۳۶۵). حزب اعتدالیون نیز به موارد مذکور اشاره و موارد دیگری چون، تأسیس اداره بیمه عمومی و صندوق امدادیه را افزوده است (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۱۴-۱۰۸).

عدالت اقتصادی. اشتراکات دو حزب در این زمینه مواردی از قبیل منع احتکار، منع انحصار، حفظ حقوق فلاحین و جلوگیری از تعدیات مالکین، منع کار اطفال و توجه به استراحت عمومی در شرح مرام‌نامه اعتدالیون (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۲۰-۱۱۹) و در مرام‌نامه حزب دموکرات آمده است (افشار، همان: ۳۶۶-۳۶۵).

اصول مشترک عدالت‌خواهی در حوزه‌های مذکور، اگر چه مورد توافق هر دو حزب دموکرات و اعتدالیون بوده است، اما مبانی فکری که این اصول بر آن قوام یافته است متفاوت‌اند.

در دیباچه مرام نامه حزب دموکرات، حتی یکبار هم کلمه «اسلام» نیامده است. محمد تقی بهار از اعضای حزب نیز ضمن مترادف خواندن دموکرات با رنجبران تأکید نموده است که: اساس این فرقه مدنی سیاسی هیچوقت حاوی وجهه مذهبی نخواهد شد (روزنامه نوبهار، ۱۳۲۹ شماره، ۳۲) در دیباچه مرام نامه بین ترقیات عالم در حوزه صنعت و تجارت و مناسبات مدنی با فعالیت‌های حریت پرستانه ملل رابطه مستقیم فرض شده است. سعادت، حریت و مساوات آمال مکنونه عالم تمدن معرفی شده است که این حرکت منبعش (منبع اش) در ظهور کاپیتالیسم (سرمایه داری) و از اروپا شروع کرده... سدهای فئودالیسم را شکسته... ایران نیز... ممکن نیست که به این تبدلات ضروریه که از آثار تکامل عالم است محکوم نباشد... ناگزیر از تجدد بوده و ناچار بایستی درجاتی را که تمام عائله بشریت از آن گذشته‌اند طی نموده... لازم است ایران جدید را به آن طرز اداره (حکومت قانونی

مکاتبات، مخابرات، قرارداد، مسافرت، مسکن، مشاغل پذیرفته شده و نفی ظلم و تجاوز به حقوق سایر افراد و طبقات، مورد تأکید قرار گرفته است، مراد از آزادی از نظر این حزب، تا جایی است که مصادم آزادی دیگران و محل انتظام حوزه اجتماعی و مباین اصول اجتماعی نباشد (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۰۱).

عدالت قضایی. مرام نامه حزب دموکرات، تفکیک قوه قضاییه از قوه اجراییه، تساوی قضاوت برای همه افراد ملت، آگاهی موقوفین از علت توقیف خود، موقوف شدن اجرت قضاوت از افراد را تأکید نموده است (افشار، همان: ۳۶۵). در شرح مرام نامه حزب دموکرات به قلم یک نفر دموکرات اشاره شده است که حکم کننده میان متخاصمین، خود مباشر اجرای آن نمی‌شود. علت تأکید بر تساوی در محاکمه افراد جلوگیری از فرق گذاری بین متشخصین در محاکم عالی و ضعفا در محاکم سافله و جلوگیری از نفوذ آنهاست. (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۴۱).

شرح مرام نامه حزب اعتدالیون، ضمن تأکید بر تشکیل حوزه قضاوت و حکمیت در جامعه، شرط لیاقت و شایستگی را از شروط مقام قضاوت دانسته و تأکید می نماید که برای عموم افراد احقاق حق باید میسر و مقدور باشد. بعلاوه قضاوت باید مجانی و معاش حکام قانون و قضا بر عهده بیت المال باشد. در وضع قوانین تمام افراد به طور مستقیم یا غیر مستقیم حق مداخله و نظر در وضع و ایجاد یا تغییر و جرح و تعدیل قوانین را دارند. هیچ طبقه سابقه نمی تواند طبقه لاحق را به قوانین موضوعه خود مطیع و مجبور سازد (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۰۵-۱۰۴).

عدالت اجتماعی. پیشتر به آزادی در انتخاب شغل از سوی هر دو حزب اشاره شده بود. علاوه بر این تعلیم مجانی و اجباری برای همه افراد، تربیت نسوان و

قضایی، اجتماعی و اقتصادی را در تناسب با دین تلقی می‌کردند.

رویکردهای متفاوت عدالت‌خواهی دو حزب دموکرات و اعتدالیون

احزاب دموکرات و اعتدالیون علی‌رغم برخی اصول و مؤلفه‌های عدالت‌خواهانه مشابه در مرام‌نامه‌هایشان، تفاوت‌های بنیادینی نیز داشتند که در سه زمینه عدالت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نمود برجسته‌تری داشتند. **عدالت سیاسی.** حزب دموکرات در بخش حقوق مدنی مرام‌نامه خود آورده است: تساوی همه افراد ملت در مقابل دولت و قانون بدون فرق نژاد، مذهب و ملت (افشار، همان: ۳۶۴). در بخشی از توضیح این اصل در مشروح مرام‌نامه آمده است: فرق در امور مذهبی ربطی به دولت و قانون وضعی از طرف ملت ندارد. مثل فرق در مناکحه و موارثت که در تمام ملل و دولت هست (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۴۰). این گزاره جدایی حوزه سیاست از حوزه دیانت را که در مرام‌نامه حزب، با عنوان انفکاک کامل قوه سیاسی از قوه روحانیه آمده است (افشار، همان: ۳۶۵) را به ذهن متبادر می‌سازد. به عبارتی حوزه وضع قانون و اجرا (دولت) یک امری بشری و برگرفته از اراده ملت (انسان‌ها) است و اشاره ای به احکام الهی در عرصه قانون‌گذاری نمی‌کند. روزنامه ایران نو بر این اصل مرام‌نامه حزب دموکرات صحنه گذاشت: انسان متساوی‌الحقوق است و هر کس از ایفای حقوق انسانیت ناگزیر (ایران نو، ۱۳۲۷ق: شماره ۵۰). مسئله نسبت بین احکام اسلامی و قوانین عرف و همین‌طور لزوم تصویب احکام دینی در مجلس، مجادلات عمیقی رادر مجلس اول مشروطه برانگیخت.

اعتدالیون بر عکس در شرح مرام‌نامه خویش، معتقد بودند که وضع قوانین به مناسبت افکار عامه و به

قوی) درآورده و بر روی چنان اساس‌هایی که برای قابلیت معاونت و زحمات ترقی‌پرورانه‌ای که بشریت مبتلای آن است یک عضو مستعدی (گردد). برای رسیدن به چنین مقصودی مرام‌نامه حزب معرفی شده است (افشار، همان: ۳۶۳-۳۶۲). بنابراین اروپا الگوی ترقی، دامنه حرکت وسیع و شتابنده‌ای بود که ایران ناگزیر از قرار گرفتن در آن مسیر بود. روش هم مبتنی بر تضاد طبقاتی و معارضه است که نشانه‌های این دیدگاه در آرای سوسیال دموکرات‌ها آشکار است. روزنامه ایران نو، مهمترین ارگان حزب دموکرات ضمن درج نظام‌نامه حزب در بیست و یک شوال ۱۳۲۸ق، موارد مهم جهت وصول به اهداف حزب را نام می‌برد که در آخرین آنها، از اینکه از سوی مخالفین بواسطه فصلی که انفکاک قوه روحانیه از قوه سیاسی در مرام‌نامه آمده است، به دشمنی دین و آیین و عداوت روحانیت متهم خواهند نمود... تأکید می‌کند که مطالبات ما ابداً تناقضی با شریعت نداشته و موافق احکام خود شریعت مطهره است (روزنامه ایران نو، ۱۳۲۸ق، شماره ۳). چنان‌که پیش‌بینی شده بود، دموکرات‌ها به انقلابی، لا مذهب و غیر اسلامی و شورش‌خواه و مفسد متهم شدند (آدمیت ۳۹: ۱۳۵۴) به همین دلیل شرحی بر مرام‌نامه حزب توسط یک نفر دموکرات نوشته شد و سعی در نشان دادن مسلک دموکرات، موافق اساس اسلام داشتند.

اما مبانی عدالت‌خواهی اعتدالیون ریشه در اسلام داشت. دستور مسلکی اولیه حزب اعتدالیون که بسیار مختصر بود، اسلام را گوهر مقصود می‌نامد (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۸۹) و در مقدمه شرح مرام‌نامه اصول و اساس مسلکی خود را روحاً با حقیقت مقدسه اسلامیت متوافق اعلام نموده است. اسلام را همراه، سازگار و مؤثر برای ترقی عالم اجتماع بشر می‌شناسد (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۹۶). به همین دلیل اشتراک در برخی اصول عدالت‌طلبانه با دموکرات‌ها در حوزه‌های مدنی،

عنوان سردبیر این روزنامه نوشت: مجالس عالی (سنا) در مدت صد سال عمر خود فقط به چهار چیز خدمت کرده‌اند، فئودالیت، تمول، ظلم به ملت و خدمت به طبقه اعیان (ایران نو، ۱۳۲۷ق / ۱۲۸۸ش: شماره ۱۰۵). بنابراین تأسیس مجلس سنا از دیدگاه حزب دموکرات در راستای تفوق صنوف ممتاز و اعیانیت بر رنجبران و محرومین و درحقیقت حفظ موقعیت اعیان و متنفذان اعتدالی تلقی شد.

اعتدالیون، تشکیل مجلس سنا از طریق انتخاب ملی و شورای مملکتی را ضروری می‌دانستند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۱۹). روزنامه مجلس به مدیریت محمد صادق طباطبایی از رهبران اعتدالیون در مقاله‌ای با عنوان «مجلس سنا» می‌نویسد: وقتی می‌توان حقوق دو طبقه عالی و دانی را معادل و تمام طبقات را از ظلم محفوظ داشت و مملکت را از خطر اختلاف و تسلط و مداخله دشمنان مصون داشت که دو مجلس باشد و هر یک از آن مجالس، نمایندگان یکی از آن طبقات، حافظ حقوق طبقه مربوطه خود و مراقب افعال و ناظر حسن و قبح اعمال مجلس دیگر باشند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که بر ذمه تمام عقلای وطن پرست بی طرف متحتم است تلاش در استقرار مجلس سنا در ایران بنمایند (روزنامه مجلس، ۱۳۲۸ق: شماره: ۱۴۲). ملاحظه می‌شود وجود مجلس سنا کار کردی مثبت و چند جانبه دارد، هم ایجاد تعادل بین طبقات می‌نماید، هم خطر اختلاف و تسلط دشمن را از بین می‌برد و هم نقش نظارتی بر مجلس دیگر را ایفا می‌کند. ضمن این که مجلس سنا در جایگاه مجلسی که طبقات عالی را نمایندگی می‌کند، بطور ضمنی تأیید شده است. بنابراین تأثیر خاستگاه طبقاتی و اجتماعی اعتدالیون در حمایت از نهادهایی با کارکرد تعدیلی و حافظ منافع آنها محرز است.

اقتضای عادات و اخلاق عمومی و مذهب باید باشد (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۱۹). همین‌طور قواعد و قوانین بشری را برای جلوگیری از طغیان شهوت و غضب کافی نمی‌دانند و معتقدات مذهبی و تعلقات دینی را ضامن سلامت و سعادت عالم اجتماعی دانسته و لزوم حفظ اصول جامعه و حقایق عالییه دینی را بر عهده هیأت اجتماعی (گروه‌ها، جامعه، قوای حاکم و...) الزام می‌نمایند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۱۵). به علاوه آنجا که از تفکیک قوا سخن می‌گویند، قوه قضائیه را با هیأت‌های شرعی و قوه تشریعیه، مترادف می‌گیرند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۰۴). بنابراین نسبت دین و سیاست، در حوزه قانون گذاری نمود می‌یابد. امری که اعتدالیون مقید به در نظر گرفتن آن در امر قانون گذاری بودند، اما دموکرات‌ها حوزه قانون گذاری را بکلی جدای از دین، امری عرفی و غیر دینی تلقی می‌کردند.

از منظر اعمال حاکمیت سیاسی، دموکرات‌ها در مرام نامه حزب آوردند که: قدرت عالییه دولت جمع خواهد شد در دست مجلس شورای ملی (افشار، همان: ۳۹۴). در شرح مرام نامه، مجلس به دلیل اینکه تنها نهادی است که حق وضع قوانین را دارد و شاه و وزرا در مقام امضا و اجرا قرار دارند، برتر از سایر قوا دانسته شده است. همزمان وجود مجلس سنا را نفی می‌نمایند. نویسنده ضمن اشاره به برابری و حقوق مساوی افراد در اسلام، وجود مجلس سنا را ظلم واضح دانسته، معتقد بود با قبول آن، تفوق و اعیانیت قانونی می‌شود (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۳۹). روزنامه ایران نو در همین زمینه، با اشاره به تاریخ چه مجلس سنا در جهان نوشت: هدف ایجاد این مجالس در باطن و حقیقتاً نقطه نظر آنها منافع طبقات و اعیان می‌باشد... امروز ما هم خود را مصروف داشته ایم بهر طور است مجلس سنا داشته باشیم و می‌خواهیم زنجیره تازه به گردن خود استوار سازیم (ایران نو، ۱۳۲۷ق: شماره: ۹۹). رسول زاده به

عدالت اجتماعی

طلب برابری و مساوات و تدوین اصول و خواسته‌هایی مبتنی بر عدالت اجتماعی در مرام نامه حزب دموکرات عمدتاً متأثر از دیدگاه‌های سوسیال دموکراسی این حزب و موقعیت اجتماعی اعضای برجسته آن است که به عنوان نیروهای جدید اجتماعی نگاه امیدبخشی به مدرنیته غرب داشتند. در همین راستا در شرح مرام نامه حزب دموکرات، افراد جامعه به دو گروه، اغنیا و مقتدرین و متنفذین در یک سو و کسبه و رعایا و رنجبران و ضعفا در سوی دیگر تقسیم شده که گروه اول قانونی را در جهت حفظ منافع خود و به منظور قاهریت بر ضعفا می‌خواهند که نویسنده آنان را اعتدالیون و کنسرواتور (محافظه کار) و آریستوکرات (اشراف سالار) می‌نامد. گروه دوم می‌خواهد حقوق از دست رفته ضعفا و رعایا را زنده کرده تساوی و عدل را جریان داده و مقرر کند که هر کس به قدر عمل مزد برد و به قدر رنج به گنج رسد. این فرقه را حامی رنجبران و لیبرال و دموکرات گویند که طالبان مساوات در میان بشرند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۳۳-۳۴) از مهمترین اصول اجتماعی عدالت خواهانه مرام نامه حزب دموکرات این خواسته شالوده شکنانه بود: الغاء و نسخ امتیازات و صنوف ممتازه بین ملت و ابطال اصول مذمومه‌ی تشخصات (افشار، همان: ۳۶۴). در این مطالبه، علاوه بر نفی امتیازات طبقات ممتاز، موجودیت چنین طبقاتی هم زیر سوال است و اعتقادی به طبقات متنفذ وجود ندارد.

دموکرات‌ها در شرح مرام نامه خود چنین نظری را در مورد روحانیت هم که از پایگاه قدرتمند مردمی بهره‌مند بودند را نیز کتمان نکردند: در اسلام قوه روحانیه علی حده بلکه به هیچ صنف مخصوص مقرر نشده است ... مقام محترم، مقام علم و تقواست که

اختصاص به هیچ احد و فرقه ندارد، این احترام ابداً سبب امتیاز نیست (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۳۸ و ۴۴). در تأیید منازعه با اشراف، روزنامه ایران نو نوشت: کشمکشی که اکنون بین ما و اعتدالیون وجود دارد همانا ترجمان مبارزه و کشمکشی است که میان طبقه اشراف از طرفی و صنوف رنجبران و دموکراسی از سمت دیگر وجود دارد. در شماره ۶۸ ضمن اعتدالی خواندن کابینه سپهدار، اصطلاح «آریستوکراسی در حال محتضر» را در اشاره به اعتدالیون بکار برد (روزنامه ایران نو، ۱۳۲۹، شماره‌های: ۱۵ و ۶۸).

حزب اعتدالیون معتقد رعایت اقتضا و حیثیات گروه‌های اجتماعی و به رسمیت شناختن طبقات بود. در این راستا مردم را به سه دسته: ۱- ارباب متمول ۲- طبقه بیکاره و آواره ۳- طبقه متوسط و صاحبان سرمایه‌های کوچک، تقسیم نموده‌است. به منظور تناسب بین طبقات، برای گروه بیکاره و آواره باید تولید کار کرد تا به طبقه متوسط ملحق شوند و طبقه متمول را باید داخل در دایره تصدی خدمات عمومی و تحمل زحمات هیأت نموده، تکفل امور را به نسبتی بر عهده آنها گذارد. آنان توصیه می‌کردند که باید اقویا و اغنیا را به طرف معاونت ضعفا و ناتوانان و طرفداری رفاهیت عمومی جلب و به جانب مساوات و عدالتخواهی ترغیب نمود (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۱۳ و ۱۱۷). در رابطه بین مالک و زارع اعتدالیون فقط به حفظ حقوق فلاحین و جلوگیری از تعدیات مالکین و این اصلی کلی که می‌گوید، رعایت احوال رنجبران مملکت و تسهیل طرق معیشت آنان، اکتفا نموده- اند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۸۹-۱۱۹). روزنامه مجلس در جواب دموکرات‌ها که اعتدالیون را آریستوکرات می‌خواندند، ضمن رد وجود آریستوکراسی در ایران معتقد بود: اساس آریستوکراسی اساسی است که در اغلب ممالک مانع ایفای حقوق عامه و آزادی طبقات و ترقی

نوع بدهی آنها و حقوق اربابی و معامله دولت با ایشان و... در تمام ایران به طور تساوی تحت یک قانون عادلانه خواهد بود، همه نوع عوارض و مأخوذات و تحمیلات از طرف مالکین و رعایا و بزرگران غیر از حقوق قانونی به هر اسم و رسم از تعارف و هدایا و سایر بدعت‌ها کلاً و جزاً منسوخ و موقوف و مستلزم مجازات خواهد بود، حکومت ارباب و ملاکین در اراضی خود و رسیدگی در امور مدنی و ملکیه و حکم در جنایات و تقصیرات از هر نوع بکلی منسوخ، اخراج و تبعید دهاتی از مسکن خود ممنوع است، هیچ اربابی نمی‌تواند دهات و املاک زراعتی خود را بفروشد مگر به رعیت و سکنه آنها (افشار، ۱۳۵۹: ۳۶۶). بالاخره اصل ساختار شکن اصلاحات ارضی که به موجب آن تقسیم اراضی خالصه به زارعین و رعایا و فراهم آوردن اسباب همین ترتیب در املاک اربابی به وسیله تأسیس بانک زراعتی در بلوکات و دادن حق تقدم خرید به زارع در موقع فروش انجام می‌گرفت (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۵۶). دموکرات‌ها معتقد بودند که اراضی کلاً باید به زارعین واگذار گردد و صاحبان و املاک درآمد ناشی از املاک خویش را در صنایع، معادن، راهها و تجارت بکار گیرند. برای این منظور حزب دموکرات اعضای خود را تشویق می‌نماید که بانک زراعتی ایجاد کرده، پس از اندوختن مبلغی در آن، املاک مالکان را خریده و آن را به همان قسمت بین کشاورزان تقسیم نموده و وجه آنرا بصورت اقساط و تدریج از زارعین دریافت نمایند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۵۶). با این تمهید دموکرات‌ها درصدد ارتقای توان اقتصادی زارعین بودند. بنابراین عدالت‌خواهی برگرفته از مرام نامه دموکرات‌ها با توجه به جایگاه عمدتاً غیر اعیانی و مبانی فکری مبتنی بر ستیز با اعیان و متنفذین، در حیطه عمل مستلزم ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و تحول اساسی در رابطه بین طبقات

مملکت بوده است (روزنامه مجلس، ۱۳۲۸، شماره ۱۱۰).

در مجموع اختلاف و فاصله بین طبقات و گروه‌های ضعیف و غنی مورد پذیرش اعتدالیون بود. آنان از جایگاهی رفیع در ساخت قدرت نظام مشروطیت برخوردار بودند اما طنین پر حجم عدالت‌خواهی در فضای اجتماعی ایران در دوران مبارزه و حضور مشروطه‌خواهانی معتدل و میانه رو در حزب، اعتدالیون را ضمن احترام به متمولین، بر تعدیل فاصله طبقاتی و نابرابری‌ها رهنمون می‌کرد. آنها ضمن به رسمیت شناختن موقعیت و جایگاه برتر طبقات اعیان و اشراف، حل مناسبات اغنیا و ضعف را از مجرای پیشنهادات ملایم اقتصادی و توصیه‌های اخلاقی میسر می‌دانستند و بر حفظ مالکیت سنتی و دوری از تغییرات بنیادین در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی تأکید نمودند.

عدالت اقتصادی. عدالت اقتصادی دموکرات‌ها عمدتاً در محدوده مالیات و رابطه مالک و دهقان جهت‌گیری شده است. ترجیح دادن مالیات مستقیم بر مالیات غیر مستقیم و طرح مالیات بر روی عایدات اصولی هستند که هدف آنها کسب مالیات از طبقات مقتدر و متنفذ و اغنیا است. دموکرات‌ها معتقدند که تاکنون فقط ضعف مالیات داده‌اند و اغنیا تخفیف گرفته‌اند و این ترتیب طاقت فرسا باید مبدل به ترتیب عادلانه شود (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۴۷-۴۸). به این منظور مالیات مستقیم که عمدتاً مالیات بر درآمد است شیوه مناسبی برای مالیات‌گیری از متنفذین و اغنیاست. اصول معطوف به رابطه ملاکین و دهقانان و سایر اقشار ضعیف نیز ساختار گذشته را منسوخ و بنیانی جدید به خود می‌گیرند از آن جمله: منسوخی سخره و بیکاری، معامله ملاکین با بزرگان و دهاتیان در خصوص هر

ممتاز با اقشار ضعیف و به بیان آنان، رنجبر، جامعه است.

اعتدالیون برخلاف دموکرات‌ها که در رابطه بین مالکین و دهقانان معتقد به تغییر شیوه مالکیت بودند و بر تقسیم اراضی تأکید داشتند، بر حفظ اصول مالکیت تأکید دارند اما حق تملک را در صورتی مشروع می‌دانند که به انحصار و امتیاز نیانجامد و باعث تعدی متجاوزانه اقویا بر ضعفا و اغنیا و سرمایه داران بر فقرا و کارگران نباشد (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۱۱). در موضوع مالیات، اعتدالیون به اولویت نوع مالیات اعتقادی ندارند، بلکه مالیات و خراج را به گونه‌ای می‌پذیرند که در حقیقت ترازوی تعدیلی بین ضعفا و اغنیا بوده و حتی الامکان معیشت فقرا و متمولین را به هم نزدیک سازد (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۰۶). آنان رسیدن به تساوی حقیقی را غیر ممکن می‌دانستند، اما معتقد بودند می‌توان با اجرای اصول عدالت به تقریب معیشت‌ها و نسخ و القای امتیازات و حقوق غیر مشروحه دست یافت، راه‌های رسیدن به چنین هدفی را اولاً؛ تحدید اختلاف درجات مشاغل و تفاوت مراتب خدمات اعمال عمومی، ثانیاً؛ آزادی طرق وصول به مشاغل و تسهیل وسایل دستیابی به اعمال، ثالثاً تعلق حقوق و اجرت‌ها بر مساعی و اعمال و تقریر مزد و جزا در مقابل سعی و عمل می‌دانستند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۰۹). در این دیدگاه تعدیل رابطه اغنیا با ضعفا و حفظ جایگاه اعیان و اشراف در چهارچوب ساز و کاری قانونی و نفی ستیز طبقاتی به رسمیت شناخته شده است.

نتیجه

بستر عینی و شرایط تاریخی اجتماعی ایران که در نهایت به پیروزی انقلاب مشروطیت انجامید علی‌رغم

ترکیب ساختاری سنتی و عقب مانده شاکله اجتماعی آن، توانست محمل شکل‌گیری جنبش عدالت خواهانه‌ای شود که از یک سو ریشه در باورهای اسلامی و متأثر از بی‌عدالتی و ظلم حاکمان تاریخ کهن ایران داشت و از سویی تحت تأثیر اتفاقات و تحولاتی بود که در جهان بویژه در اروپا رخ داده بود. بنابراین از همان ابتدا پایه‌های فکری و اجتماعی عدالت‌خواهی بر ناهمگونی و عدم تجانس در برخی حوزه‌ها قوام یافت که پس از شکل‌گیری احزاب، بخش مهمی از آموزه‌ها و آرمان‌های دو حزب اعتدالیون و دموکرات‌ها را به خود اختصاص داد.

دموکرات‌ها از نظر موقعیت اجتماعی عمدتاً عهده‌دار مشاغل جدید، تحصیل‌کردگان علوم جدید، و آشنا با زبان‌های خارجی بودند. در ترکیب اجتماعی آنان بندرت سیاستمداران متمول سنتی و اشراف و اعیان متنفذ دیده می‌شدند. از نظر فکری ضمن دلبستگی به آموزه‌های تمدن جدید غرب در حوزه‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی و پذیرش اصول لیبرالی در حقوق مدنی، الگوی فکری متأثر از سوسیال دموکراسی را که روابط طبقات غنی و ضعیف را مبتنی بر تعارض تفسیر می‌کرد، مبنای عدالت‌خواهی خود نهادند. اعتدالیون برعکس از موقعیت اجتماعی مستحکمی برخوردار بودند، اکثریت قریب به اتفاق سیاستمداران مقتدر و با سابقه قاجاری و شاهزاده‌های با نفوذ و قدرتمند، زمینداران و تجار بزرگ و روحانیون والامقام و متنفذ در این حزب عضویت داشتند و ارکان مهم نظام سیاسی پس از مشروطیت را در اختیار گرفتند. عدالت‌خواهی آنان با استناد به مشروح مرام نامه حزب اعتدالیون براساس مبانی عدالت اسلامی بنیان نهاده شده بود. بنابراین دو رویکرد متفاوت از عدالت‌خواهی در برخی زمینه‌ها اجتناب‌ناپذیر بود که ذیلاً تحلیل می‌شود.

فهم متعارض از مساوات

چنان‌که در متن اشاره شد واژه مساوات با برابری و تساوی در حقوق و یکسانی مترادف است. دموکرات‌ها در مرام نامه و سایر مکتوبات خویش تأکید زیادی روی آن داشتند. اما طرز تلقی آنها از این مفهوم افراطی و مطلق‌گرایانه است. بر این اساس تا مساوات کامل در جامعه برقرار نشود عدالت اجتماعی در مفهوم کلی آن برقرار نخواهد شد. اصرار بر نفی امتیازات و حتی نفی گروه‌ها و صنوف ممتاز جامعه، نفی مجلس سنا، نفی امتیازات نژادی و مذهبی و برابری همه به عنوان ملت در برابر قانون و نفی انتخابات صنفی، جهت‌گیری مالیاتی مبتنی بر اخذ مالیات‌های مستقیم بر روی عایدات به منظور کسب درآمد مالیاتی از طبقات غنی و ثروتمند. در حیطه روابط بین مالکین و زارعین تأکید بر نفی سخره و بیگاری، واسطه‌گری قانون عادلانه در روابط مالکین با برزگران و روستائیان، نسخ اختیارات و تحمیلات مالکان بر زارعان و نفی رابطه ارباب و رعیتی، و از همه مهمتر اصل شالوده افکن اصلاحات ارضی هم در اراضی خالصه و هم املاک اربابی که در نهایت زارعان را بر اراضی کشاورزی حاکم می‌کرد و تغییر شیوه مالکیت را تأکید داشت، در همین راستا تحلیل می‌شود.

در نزد اعتدالیون مساوات به معنای تساوی کامل و مطلق نیست بلکه به تناسب و اقتضای شرایط و مواقع، متفاوت و متغیر است. بنابراین عدالت‌خواهی سرشتی تعدیلی همراه با توصیه‌های اخلاقی پیدا می‌کند. اعتدالیون مساوات و تساوی را به رعایت وضع معاش افراد به نسبت اختلاف مراتب و قوا و مواقع آنها منوط می‌کند، خواهان نفی گروه‌ها و طبقات قدرتمند سنتی و افراد متمول نبودند بلکه برای آنان مسئولیت اجتماعی قائل بودند که باید تصدی خدمات عمومی و تحمل

زحمت نموده تکفل امور را به عهده گیرند و به معاونت ضعفا بر خیزند. ضمن احترام به حفظ حقوق فلاحین و رنجبران در برابر ملاکین، تأکید بر حفظ حقوق مالکیت و نه تغییر شیوه مالکیت در روابط ملاکین و زارعان بودند. مبانی فکری آنان عدالت‌خواهی آنان را بر مدار اعتدال و تعدیل و رعایت مقتضیات قرار داد و جایگاه اجتماعی‌شان آنان را در حفظ موقعیت گروه‌های با نفوذ و دفاع از حق مالکیت مصمم ساخت.

تعارض در روش نهادینه سازی اصول عدالت‌خواهی

در نظام‌نامه حزب دموکرات به تحصیل و مباحثه و نشر افکار دموکراتیک و تهیه وسایل ضبط و تصرف قدرت سیاسی به واسطه دموکراسی ایرانی اشاره شده است (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۱). بنیاد دموکراسی ایرانی بر بنای جامعه‌ای با ساختارهای ضعیف و ناتوان، تا حدی تندروری می‌نماید و مستلزم تغییرات عمیق در ساخت‌های جامعه در یک فرایند طولانی مدت است. دموکرات‌ها این روش‌های بنیادین را بدون توجه به توان جامعه و شرایط تاریخی که در آن قرار گرفته بود در حوزه مالکیت از طریق تغییر در شیوه مالکیت (اصلاحات ارضی)، الغا و نسخ امتیازات صنوف ممتاز، نفی قدرت شاه و وزرا در حاکمیت سیاسی، انفکاک کامل سیاست از دیانت و جزآن دنبال کردند.

اعتدالیون برعکس به روش‌های تدریجی معتقد بودند و مشی واقع‌گرایانه‌تری را توصیه و عمل می‌کردند. آنان با تأکید بر مواردی چون، رعایت اصول تکامل (تدریجی بودن تکامل و ترقی) محال بودن تجدد آنی «نفی آرمان‌گرایی و آرزوهای خیالی»، توجه به حد وسط یعنی میانه‌روی و اعتدال و... (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۹۶-۱۰۰) هم به نوعی مؤید وضع موجود بودند و انقلاب و تغییر آنی را مضر به حال جامعه و جایگاه

احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.

۳- آدمیت، فریدون (۱۳۵۴) فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: انتشارات پیام.

۴- ازغندی علیرضا (۱۳۷۹) نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: قومس، چاپ دوم.

۵- افشار، ایرج (گردآورنده) (۱۳۵۹) اوراق تازه یاب مشروطیت و نقش تقی زاده، تهران: انتشارات جاویدان، چاپ اول.

۶- ----- (گردآورنده) (۱۳۸۵) نامه‌های مشروطیت و مهاجرت، تهران: نشر قطره، چاپ اول.

۷- اتحادیه، منصوره (گردآورنده) (۱۳۶۱) مرام نامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران، تهران: نشر تاریخ ایران، چاپ یکم.

۸- بهار، محمد تقی (۱۳۲۳) تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد ۱، تهران: امیر کبیر.

۹- تقی زاده، سید حسن (۱۳۷۹) تاریخ مجلس شورای ملی، تهران: فردوس، چاپ اول.

۱۰- (۱۳۷۹) زندگی طوفانی، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران: انتشارات فردوس، چاپ اول.

۱۱- ----- (۱۳۷۹) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس، چاپ اول.

۱۲- تنکابنی، محمدولی (۱۳۷۸) یادداشت‌های تنکابنی، به تصحیح الهیار خلعتبری، فضل الله کجوری، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.

۱۳- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳) حقوق بشر و مفاهیم مساوات انصاف و عدالت، تهران: نشر کرایش.

۱۴- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱) لغت نامه، جلد ۳۰، تهران: شرکت چاپ افست گلشن.

خود می‌دانستند و هم مشی تندروانه دموکرات‌ها را نفی می‌کردند.

بنابراین دموکرات‌هایی که طبق مرام نامه خود به جدایی دین و سیاست رأی داده بودند، در عین احترام به اسلام، تعهدی به بهره‌گیری فکری از آن نداشتند، خاستگاه طبقاتی متوسط و غیر اعیانی و گرایشات سوسیال دموکراسی آنها ضدیت با طبقات برتر و ممتاز و طرفداری از محرومان و رنجبران را موجه جلوه می‌داد. برای دست یابی و بهره‌مندی از مدرنیسم غربی خواهان تحولات بنیادین در نهاد سیاست و تغییرات عمیق در ساختارهای اجتماعی اقتصادی جامعه ایران بودند. اما اعتدالیون اسلام را زیر بنای اعتقادی و موجد مرام خویش می‌دانستند. مرام نامه آنها نشان می‌دهد که در نگاه مثبت به غرب، اعتقاد به اصول اجتماعی و آزادی‌های مدنی و اجتماعی با دموکرات‌ها هم رأیند اما با روشن شدن ملاحظات فکری و خاستگاه‌های طبقاتی‌شان تغییرات و اصلاحاتی که بدنبال آن بودند اولاً به لحاظ روشی تدریجی و کند و مبتنی بر مقتضیات زمان بود و ثانیاً از عمق چندانی که بتواند تغییرات اساسی در ساختار نهاد سیاست و بویژه بافت اجتماعی ایجاد کند برخوردار نبود و مبتنی بر ملاحظات محافظه کارانه بود. این مبانی فکری و اجتماعی متفاوت در تلقی متباین مرام نامه‌های دو حزب از مفاهیم مساوات و تساوی و همین‌طور روش و شیوه نهادینه ساختن عدالت‌خواهی آشکار می‌شود.

منابع

۱- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹) تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، چاپ اول.

۲- ----- (۱۳۸۱) ایران بین دو انقلاب، ترجمه

۲۷- هالیدی، فرد (۱۳۵۸) دیکتاتوری و توسعه در ایران، ترجمه فضل الله، نیک آیین، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.

۲۸- هدایت، مخبرالسلطنه (۱۳۷۵) خاطرات و خطرات، تهران: زوار، چاپ پنجم.

روزنامه‌ها

۲۹- ایران نو (۱۳۲۷ قمری) شماره های، ۹۹، ۱۰۵،

۳۰- (۱۳۲۸ قمری) شماره ۳،

۳۱- (۱۳۲۹ قمری) شماره های، ۳۱، ۶۸،

۳۲- مجلس (۱۳۲۸ قمری) شماره های، ۱۱۰، ۱۴۲،

۳۳- نوبهار (۱۳۲۹ قمری) شماره، ۳۲

۱۵- زنجانی، شیخ ابراهیم (۱۳۸۰) خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، تهران: کویر، چاپ دوم.

۱۶- شاکری، خسرو (۱۳۸۴) پیشینه‌ی اقتصادی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران: اختران، چاپ اول.

۱۷- (۱۳۸۲) نقش ارامنه در سوسیال دموکراسی ایران، به کوشش محمد حسین خسروپناه، تهران: نشر شیرازه.

۱۸- شجیعی، زهرا (۱۳۴۴) نمایندگان مجلس شورای ملی در ۲۱ دوره قانون گذاری، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، چاپ اول.

۱۹- شمیم، علی اصغر (۱۳۴۲) ایران در دوره سلطنت قاجاریه، تهران: ابن سینا، چاپ اول.

۲۰- عین السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۷) روزنامه خاطرات، جلد سوم، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، تهران: اساطیر، چاپ اول.

۲۱- عیسوی، چالرز (۱۳۶۲) تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.

۲۲- غروی نوری، علی (۱۳۵۲) حزب دموکرات ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی، تهران: چاپخانه فردوسی، چاپ اول.

۲۳- کسروی، احمد (۱۳۸۴) تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات صدای معاصر، چاپ پنجم.

۲۴- مذاکرات مجلس شورای ملی دوم (۱۳۲۵) تهران: چاپخانه مجلس.

۲۵- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). شرح زندگانی من، جلد ۱، تهران: زوار، چاپ دوم.

۲۶- ملکزاده، مهدی (۱۳۳۲). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ششم و هفتم، تهران: ابن سینا، چاپ اول.

